

تجدید ارائه صورت‌های مالی و عوامل موثر بر آن در صنایع مختلف

افسانه رفیعی*

محمدحسین صفرزاده**

چکیده

تجدید ارائه صورت‌های مالی، که به یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی در ایران بدل شده است، می‌تواند تبعات منفی متعددی برای سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان به همراه داشته باشد. شناخت ابعاد مختلف این پدیده، انگیزه‌ها و عوامل موثر بر رواج آن، می‌تواند در کنترل آن توسط مراجع ذی‌ربط و پیش‌بینی و کاهش تبعات منفی آن برای ذی‌نفعان سودمند باشد. در این پژوهش، ۷ صنعت عمده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است تا بر اساس این بررسی، عوامل مؤثر بر تجدیدارائه صورت‌های مالی شناسایی و مقایسه شود. به‌منظور مقایسه دفعات و اهمیت تعدیلات سنواتی در صنایع مختلف، از تحلیل واریانس و برای برآزش مدل عوامل مؤثر بر آن، از رگرسیون لوجستیک استفاده شده است. یافته‌های ما نشان می‌دهد دفعات وقوع و اهمیت تعدیلات سنواتی، در صنایع مختلف متفاوت است. این تفاوت با ویژگی‌های خاص هر صنعت مرتبط است. همچنین، تفاوت رفتار مدل عوامل موثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف گویای اهمیت نقش صنعت در تجدید ارائه صورت‌های مالی است.

کلیدواژه‌ها: تجدید ارائه صورت‌های مالی، تعدیلات سنواتی، صنعت.

* دکترای حسابداری دانشگاه تهران

** دکترای حسابداری دانشگاه تهران

مقدمه:

تجدید ارائه صورت‌های مالی، به معنی ارائه مجدد اطلاعات مالی سال گذشته به منظور اصلاح اطلاعات نادرست یا افزایش قابلیت مقایسه، یکی از پدیده‌های رایج در ایران است. نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) رواج تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران را در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹، بالغ بر ۸۰ درصد گزارش نموده‌اند. این در حالی است که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌های اصلی آمریکا این نسبت از عدد ۷ درصد بیشتر نبوده است (گزارش دیوان محاسبات آمریکا، ۲۰۰۶). رواج این پدیده، از آن جهت دارای اهمیت است که آثار مخرب متعددی به همراه دارد. اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شود که بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده یا تأیید یا تصحیح ارزیابی‌های گذشته آن‌ها مؤثر واقع شود. به عبارت دیگر، اطلاعات مربوط، یا دارای ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و یا حائز ارزش تأییدکنندگی است. هنگامی که واحد تجاری صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه می‌کند، در واقع اطلاعات صحیح را حداقل یک سال پس از اخذ تصمیمات اقتصادی مربوط در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد و از آنجا این تاخیر زمانی از ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و تأییدکنندگی اطلاعات می‌کاهد بنابراین، ویژگی مربوط بودن اطلاعات خدشه‌دار خواهد شد.

برای این که اطلاعات مفید باشد باید قابل اتکا نیز باشد. اطلاعاتی قابل اتکاست که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه بااهمیت باشد و به طور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به گونه‌ای معقول انتظار می‌رود بیان کند. قابلیت اتکای اطلاعات، با ویژگی‌های بیان صادقانه، رجحان محتوا بر شکل، بی‌طرفی، احتیاط و کامل بودن همراه است. هنگامی که اطلاعات به سبب اصلاح اشتباه تجدید ارائه می‌شود، تلویحاً به مفهوم آن است که اطلاعات دوره گذشته عاری از اشتباه نبوده است. تکرار تجدید ارائه صورت‌های مالی طی سنوات مختلف هم این ذهنیت را تقویت می‌کند که اطلاعات از تمایلات جانبدارانه نیز مبرا نمی‌باشد. بنابراین، یکی از تبعات منفی تجدید ارائه صورت‌های مالی، تأثیر منفی آن بر قابلیت اتکای صورت‌های مالی است.

ارقام مندرج در صورت‌های مالی، به‌ویژه رقم سود، آثار مالی به همراه دارند. این ارقام مبنای توزیع سود به سهامداران، محاسبه پاداش مدیران و پرداخت مالیات است. علاوه بر این، اطلاعات صورت‌های مالی می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان مؤثر باشد. ارقام حسابداری در بسیاری از تحقیقات و ارزیابی‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو، ارائه نادرست و توأم با اشتباه اطلاعات حسابداری می‌تواند موجب جابه‌جایی غیرمنصفانه منابع ذی‌نفعان گردد.

اهمیت تجدید ارائه صورت‌های مالی، تلاش برای شناخت دقیق‌تر این پدیده را توجیه می‌کند. یافته‌های برخی پژوهش‌ها، نظیر اتیک^۲، ۲۰۰۹؛ وودز^۳، ۲۰۰۹؛ و بارون^۴ و همکاران، ۲۰۰۱،

حکایت از آن دارد که رواج تجدید ارائه صورت‌های مالی، جهت و ماهیت تعدیلات سنواتی، و عوامل مؤثر بر آن در صنایع مختلف متفاوت است. از این رو، در پژوهش حاضر، رواج تجدید ارائه صورت‌های مالی و ماهیت تعدیلات سنواتی در صنایع مختلف با یکدیگر مقایسه می‌شود و مدل عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف مورد آزمون و نتایج آن مورد مقایسه قرار می‌گیرد. درک الگوی تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف، بیش از همه، می‌تواند به حسابرسان کمک نماید زیرا نشانه‌ای از میزان ریسک حسابرسی در صنایع مختلف است.

مبانی نظری و پیشینه

شرکت‌هایی از صنایع مختلف، با ریسک‌ها و فرصت‌های متفاوتی مواجهند. همچنین، شرایط اقتصادی و عملیاتی هر صنعت با صنعت دیگر متفاوت است. شرایط رقابتی، تنوع بازارها و مشتریان، دسترسی به منابع تامین مالی و دیگر تفاوت‌ها، موجب می‌شود که فعالان هر صنعت برای دستکاری احتمالی اطلاعات حسابداری و مدیریت سود، انگیزه‌های خاص و متفاوتی داشته باشند. این تفاوت‌ها چنان با اهمیت است که در بسیاری از پژوهش‌ها، هنگام بررسی تجدید ارائه صورت‌های مالی، صنعت به‌عنوان یک عامل اثرگذار در تحلیل‌ها لحاظ شده است.

وودز^۵ (۲۰۰۹) وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف را از ابتدای سال ۲۰۰۲ تا پایان سال ۲۰۰۵ با یکدیگر مقایسه کرده و تفاوت معناداری را مشاهده نموده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که ۳۳ درصد تجدید ارائه‌ها در صنایع تولیدی و ۲۰ درصد از آن‌ها در بخش فناوری رخ داده است. همچنین، تبدیل سود خالص گزارش شده به زیان خالص تجدید ارائه شده در بخش فناوری بیش از سایر صنایع بوده است.

تامپسون و لارسون^۶ (۲۰۰۴) در جستجوی آثار تجدید ارائه صورت‌های مالی دریافتند که در سال ۲۰۰۱ بیشترین تعداد تجدید ارائه صورت‌های مالی به صنایع تولیدی تعلق داشته است. گروه مشاوره‌ای هورون^۷ (۲۰۰۳) نیز با بررسی شرکت‌های آمریکایی بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ صنایع تولیدی را در رتبه اول شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی قرار داده‌اند. صنعت بیمه و خدمات مالی و صنعت خرده‌فروشی به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را در اختیار داشته‌اند.

مشاهدات شولز^۸ (۲۰۰۸) نیز حاکی از آن است که طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶، صنایع تولیدی و فناوری بیش از سایر صنایع تجدید ارائه صورت‌های مالی داشته‌اند. با این حال، تعداد صورت‌های مالی تجدید ارائه شده در صنعت فناوری، طی سال‌های مورد بررسی کاهش داشته است. با آنکه در صنعت فناوری ۴۰ درصد تجدید ارائه‌ها به درآمد مربوط بوده است، در صنایع تولیدی، تنها ۱۹ درصد، در صنعت مالی ۱۶ درصد، در صنعت خدمات ۲۷ درصد و در صنعت

املاک ۱۴ درصد تعدیلات مربوط به درآمد بوده است. شواهد اتیک (۲۰۰۹) مؤید آن است که شرکت‌های صنایع مختلف، رفتار متفاوتی در هموارسازی سود داشته‌اند. وی تغییرات حسابداری منجر به تجدید ارائه صورت‌های مالی را به‌عنوان شاخصی برای هموارسازی سود در نظر گرفته است. بارون و همکاران (۲۰۰۱) نتیجه گرفته‌اند که ریسک حسابداری در صنایعی که تجدید ارائه صورت‌های مالی، عمدتاً نتیجه اشتباهات افزایشده سود است، بالاتر است. همچنین، در این قبیل صنایع، احتمال به دادگاه کشیده شدن حساب‌برسان بیشتر است. استنلی و دی‌زورت^۹ (۲۰۰۷) رابطه حق‌الزحمه حسابداری و آشنایی حساب‌برس با صنعت را با تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که در صنایعی که عملیات پیچیده‌تری دارند، این روابط قوی‌تر است.

بسیاری از تحقیقات نیز هنگام بررسی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی، صنعت را به‌عنوان یک متغیر کنترلی در نظر گرفته‌اند. از آن جمله می‌توان به اسرینوآسان^{۱۰} (۲۰۰۵)، کینی^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۴)، مایر^{۱۲} (۲۰۰۵)، فاربر^{۱۳} (۲۰۰۵)، اگرآوال و چادا^{۱۴} (۲۰۰۵)، برنز و کدیا^{۱۵} (۲۰۰۶)، دزای^{۱۶} و همکاران (۲۰۰۶)، افندی^{۱۷} و همکاران (۲۰۰۷)، مور^{۱۸} (۲۰۰۷) و شاور^{۱۹} (۲۰۰۷) اشاره نمود. در تمامی این تحقیقات، ضمن اشاره به تاثیر صنعت بر رفتار شرکت‌ها در زمینه تعدیلات سنواتی، در تدوین مدل عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی، این متغیر به‌عنوان متغیر کنترلی وارد شده است.

در هیچ یک از پژوهش‌های مرتبط با تجدید ارائه صورت‌های مالی که پیش از این در ایران انجام گرفته است، نقش صنعت مورد توجه قرار نگرفته است. برای نمونه، برزگری خانقاه (۱۳۷۵)، بدون اشاره به نقش صنعت، نشان داد که شرکت‌های ناموفق از تغییرات حسابداری به‌عنوان ابزاری برای بیشتر نشان دادن سود دوره جاری استفاده می‌کنند، اما یافته‌های وی ارتباط بین اصلاح اشتباهات دوره‌های قبل و موفقیت یا عدم موفقیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را تایید نکرد. سجادی (۱۳۸۳) نیز به بررسی اثر تجدیدارائه صورت‌های مالی بر قیمت سهام و همچنین رابطه بین تجدیدارائه صورت‌های مالی و ویژگی‌هایی نظیر اندازه و عمر شرکت پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر تعدیلات سنواتی کمتر و شرکت‌های کوچک‌تر تعدیلات سنواتی بیشتری داشته‌اند. اما بین عمر شرکت‌ها و تجدیدارائه صورت‌های مالی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است. سروری مهر (۱۳۸۵) با بررسی ماهیت تعدیلات سنواتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نشان داده که رقم تعدیلات سنواتی عمدتاً نتیجه اصلاح اشتباه است. کردستانی و همکاران (۱۳۸۹) اهمیت تعدیلات سنواتی در ۱۸۱ شرکت بورسی را از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار دادند. فرضیه این پژوهش مبنی بر بااهمیت بودن مبلغ تعدیلات سنواتی نسبت به صورت‌های مالی سال قبل، در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته شده است. کاظمی (۱۳۸۹) تاثیر ارائه مجدد

صورت‌های مالی بر محتوای اطلاعاتی سود را مورد ارزیابی قرار داد. وی نتیجه گرفت که تجدید ارائه صورت‌های مالی برای بازار سرمایه محتوای اطلاعاتی دارد.

نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱)، پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده و مصاحبه با خبرگان، عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی را تعیین و پس از آن، با استفاده از رگرسیون لوجستیک و به روش داده‌های تلفیقی، مدل مورد نظر را تبیین نمودند. از آنجا که در مدل تبیین شده تاثیر صنعت کنترل نشده است، پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی مدل مزبور در صنایع مختلف بپردازد و نتیجه را با یافته‌های آنان مقایسه نماید. متغیرهای وارد شده در مدل نیکبخت و رفیعی عبارتند از سودآوری، اهرم مالی، افزایش سرمایه، دوره تصدی مدیریت، تغییر مدیریت، پاداش مدیریت، اندازه مؤسسه حسابرسی، چرخش حسابرس و اندازه شرکت. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن بود که سودآوری، اهرم مالی، طول دوره تصدی مدیریت، تغییر مدیریت، تغییر حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی مؤثر است. تاثیر افزایش سرمایه، پاداش مدیریت، و اندازه شرکت بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نشد.

فرضیه‌های پژوهش

هدف کلی از انجام این پژوهش، مقایسه وضعیت تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف است. به طور خاص، در پژوهش حاضر، درصد و روند وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی و عوامل مؤثر بر آن در صنایع مختلف مقایسه می‌شود. با این وصف، فرضیه‌ها عبارتند از:

فرضیه ۱: میانگین وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف، متفاوت است.

فرضیه ۲: اهمیت مبلغ تعدیلات سنواتی در صنایع مختلف، متفاوت است.

فرضیه ۳: مدل عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف، متفاوت است.

طرح پژوهش

جامعه و نمونه

دوره زمانی مورد بررسی این تحقیق، سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ است و شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار به‌عنوان جامعه در نظر گرفته شده است. نمونه مورد مطالعه، طی دو مرحله انتخاب شده است. نخست شرکت‌هایی که ویژگی‌های زیر را احراز نمایند، به روش حذفی از میان شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار برگزیده شده است:

- تاریخ پذیرش آن‌ها در بورس قبل از سال ۱۳۸۴ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۰ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
- سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند بوده و در دوره مورد بررسی، تغییر سال مالی نداده باشند.

• شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مالی و واسطه‌گری، به دلیل آن که نسبت‌های مالی متفاوتی نسبت به سایر شرکت‌ها دارند، از نمونه انتخابی حذف شده‌اند. تعداد شرکت‌های دارای ویژگی‌های فوق ۲۰۲ شرکت است. در مرحله بعد، صنایعی که حداقل ۱۰ عضو در میان این شرکت‌ها داشته باشد، به شرح جدول ۱، به‌عنوان نمونه این تحقیق انتخاب شد.

جدول ۱. صنایع منتخب و تعداد شرکت‌ها

ردیف	نام صنعت	تعداد شرکت‌های نمونه
۱	انواع فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی	۲۰
۲	خودرو و ساخت قطعات	۲۷
۳	ساخت محصولات فلزی	۲۴
۴	ساخت محصولات کانی غیرفلزی	۳۵
۵	ماشین‌آلات و تجهیزات	۱۳
۶	مواد و محصولات دارویی	۲۳
۷	مواد و محصولات شیمیایی	۱۸
	جمع	۱۶۰

بدین ترتیب، اطلاعات مالی ۱۶۰ شرکت عضو بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه اول و دوم از تحلیل واریانس و جهت آزمون فرضیه سوم از تحلیل ضرایب رگرسیون لجستیک استفاده شده است. به منظور افزایش تعداد مشاهدات و بالا بردن درجه آزادی، روش داده‌های تلفیقی بکار گرفته شده است؛ تکنیکی که داده‌های سری زمانی و مقطعی را با هم ترکیب می‌کند.

مدل و متغیرهای پژوهش

نیکبخست و رفیعی (۱۳۹۱) به منظور شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر وقوع تجدیدارائه صورت‌های مالی، پس از بررسی ادبیات موضوعی، از دیدگاه خبرگان بهره گرفتند. حاصل این بررسی، معرفی عوامل زیر، به‌عنوان عواملی است که گمان می‌رود می‌توانند بر وقوع تجدیدارائه صورت‌های مالی اثرگذار باشند.

سودآوری

فشار برای حفظ یا افزایش سطح رشد شرکت و تمایل به جذب تأمین مالی برون سازمانی با هزینه کم از جمله عواملی است که انگیزه بیش‌نمایی سود را افزایش می‌دهد. بازده دارایی‌ها یکی از معیارهای سنجش سودآوری شرکت است که توان شرکت برای استفاده از دارایی‌ها به منظور ایجاد سود را نشان می‌دهد. زمانی که رشد شرکت کند می‌شود یا روند نامطلوب به خود می‌گیرد، مدیریت تلاش می‌کند با بیش‌نمایی فروش و سایر معیارهای رشد، وضعیت را مناسب جلوه دهد (مور، ۲۰۰۷).

افزایش سرمایه، اخذ بدهی بلندمدت و اهرم مالی بالا

توان جذب سرمایه و منابع مالی و نیز هزینه سرمایه، هر دو به وضعیت مالی شرکت وابسته است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای سنجش وضعیت مالی شرکت ارقام و اطلاعات حسابداری است. این امر به مدیریت شرکت‌ها انگیزه می‌دهد که از طریق دستکاری ارقام حسابداری، وضعیت مالی شرکت را بهتر نشان دهند و سرمایه بیشتری جذب نمایند. اهرم مالی بالا نیز، علاوه بر این که توان جذب سرمایه و اعتبار توسط شرکت را کاهش می‌دهد، نشانه‌ای از وجود مشکلات و فشار مالی است (نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۱).

تغییر مدیریت و طول دوره تصدی مدیریت

تغییر مدیریت چند ماه قبل یا بعد از تجدیدارائه صورت‌های مالی حکایت از آن دارد که مدیریت مستقیماً در مدیریت سود نقش داشته یا در امر نظارت یا کشف این گونه اقدامات در شرکت ناموفق بوده است. مدیران ارشد نقش ممتازی در شرکت دارند که به واسطه آن می‌توانند کنترل‌های داخلی را دور بزنند و بر گزارشگری مالی تاثیرگذار باشند. این نقش ممتاز امکان مدیریت سود را به آن‌ها می‌دهد (مور، ۲۰۰۷). فانینگ و کاگر (۱۹۹۸) دو سناریو در مورد تغییر مدیریت ارشد در زمان وقوع تقلب پیشنهاد می‌کنند. سناریوی نخست این است که هیئت مدیره یا سایر مدیران از اقدامات متقلبانه مدیرعامل یا مدیر مالی شرکت با خبر شده‌اند و از آن‌ها می‌خواهند که شرکت را ترک کنند. در سناریوی دوم، مدیرعامل یا مدیر مالی متقلب شرکت با این تصور که اقدامات متقلبانه آن‌ها به زودی کشف خواهد شد، پیش از بر ملا شدن آن، شرکت را ترک می‌کنند.

پاداش مدیریت

یکی از رایج‌ترین طرح‌های پاداش مدیران، طرح‌های پاداش مبتنی بر ارقام حسابداری است. با پذیرفتن فرض فرصت‌طلبی افراد، می‌توان انتظار داشت که مدیرانی که بر مبنای ارقام حسابداری پاداش می‌گیرند، با هدف حداکثر نمودن منافع شخصی خود این ارقام را دستکاری کنند (نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۱).

تغییر حسابرس

از جمله دلایل تغییر حسابرس می‌توان به انگیزه و تلاش مدیریت جهت مخفی کردن گزارشگری متقلبانه و مدیریت سود اشاره کرد. نتایج برخی تحقیقات نیز مؤید این موضوع است که تجدیدارائه صورت‌های مالی می‌تواند با تغییر حسابرس شرکت در رابطه باشد (نظیر دیفوند و جیامالوو، ۱۹۹۱؛ گروه مشاوره هورون، ۲۰۰۳، و مور، ۲۰۰۷).

اندازه موسسه حسابرسی و چرخش آن

یکی از عوامل اثرگذار بر استقلال حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی است. در مواردی که بخش عمده درآمد موسسه از یک مشتری خاص تامین می‌شود، استقلال حسابرس کاهش می‌یابد. علاوه بر این موسسات حسابرسی بزرگ‌تر نیروهای متخصص بیشتری در اختیار دارند و قادرند حسابرسی را با کارایی و اثربخشی بیشتری انجام دهند. عدم استقلال حسابرس می‌تواند موجب اظهارنظر مقبول درباره صورت‌های مالی شود که مطابق استانداردهای حسابداری تهیه و ارائه نشده است. تعویض حسابرس نیز یکی از معیارهایی است که با افزایش استقلال حسابرس رابطه مثبت دارد (نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۱).

اندازه شرکت

یکی از ویژگی‌های شرکت‌ها که بر ساختار مالی آن‌ها تاثیر دارد، اندازه شرکت است. هر چه اندازه شرکت بزرگ‌تر باشد، دستورات عمل‌ها، رویه‌ها و روش‌های شرکت عینی‌تر می‌شود. کارشناسان شرکت به اندازه کافی مهارت دارند، بنابراین، با توجه به تجربه و امکانات شرکت و تدوین منطقی ساختار سازمانی و مشخص بودن اهداف شرکت میزان اشتباهات حسابداری به حداقل ممکن کاهش پیدا می‌کند (سجادی، ۱۳۸۳).

بدین ترتیب مدل رگرسیونی به صورت زیر خواهد بود:
که در آن:

$$RES_{it} = \beta_0 + \beta_1 ROA_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 CAP_{it+1} + \beta_4 MDUR_{it} + \beta_5 MCH_{it+1} + \beta_6 COM_{it} + \beta_7 ASIZ_{it} + \beta_8 ACH_{it+1} + \beta_9 SIZE_{it} + e_i$$

RES_{it} = وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی مربوط به سال t در سال $t+1$ در شرکت i

ROA_{it} = نسبت سود خالص تجدید ارائه شده به جمع دارایی‌های سال t در شرکت i

LEV_{it} = اهرم مالی سال t در شرکت i

CAP_{it+1} = وقوع افزایش سرمایه در سال $t+1$ در شرکت i

$MDUR_{it}$ = طول دوره تصدی مدیرعامل تا پایان سال t در شرکت i

MCH_{it+1} = تغییر مدیرعامل در سال وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت i

COM_{it} = نسبت پاداش مدیریت به قدر مطلق سود یا زیان خالص سال t در شرکت i

$ASIZ_{it}$ = اندازه موسسه حسابرس مستقل شرکت در سال t در شرکت i

ACH_{it} = تغییر حسابرس مستقل شرکت در سال وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت i

$SIZE_{it+1}$ = لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت (بر حسب میلیون ریال) در سال t در شرکت i
 متغیر وابسته در مدل‌های برآوردی، وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی است. این متغیر به لحاظ ماهیت یک متغیر کیفی است، که اعداد صفر و یک به وقوع و عدم وقوع آن نسبت داده می‌شود. تجدید ارائه صورت‌های مالی زمانی رخ می‌دهد که ارقام مقایسه‌ای صورت‌های مالی دوره‌های گذشته، به دلیل تغییر رویه حسابداری در دوره جاری یا اصلاح اشتباهات حسابداری دوره‌های گذشته ارائه مجدد شود.
 متغیرهای مستقل مدل به همراه تعریف عملیاتی و شرحی از نحوه اندازه‌گیری این متغیرها، در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل

تعریف عملیاتی		عوامل
عوامل مرتبط با وضعیت و عملکرد مالی شرکت		
نسبت بازده دارایی‌ها (نسبت سود خالص تجدیدارائه شده به کل دارایی‌ها)	سودآوری (ROA)	۱
نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها	اهرم مالی (LEV)	۲
به شرکت‌هایی که طی دوره مالی از طریق افزایش سرمایه تأمین مالی نموده‌اند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد.	افزایش سرمایه (CAP)	۳
عوامل مدیریتی		
تعداد سالهای تصدی مدیرعامل در این سمت	دوره تصدی مدیریت (MDUR)	۴
در صورت عدم تغییر مدیرعامل نسبت به سال قبل، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد.	تغییر مدیریت (MCH)	۵
نسبت مبلغ پاداش مدیریت به قدرمطلق سود یا زیان خالص	پاداش مدیریت (COM)	۶
عوامل حسابرسی		
در صورتی که حسابرس شرکت، طبق لیست ارائه شده توسط جامعه حسابداران رسمی ایران، جزء موسساتی باشد که درآمدی بیش از میانگین درآمد موسسات حسابرسی دارد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد.	اندازه مؤسسه حسابرسی (ASIZ)	۷
در صورت تغییر حسابرس مستقل شرکت نسبت به سال قبل، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد.	چرخش حسابرسان مستقل (ACH)	۸
سایر عوامل		
لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت	اندازه شرکت (SIZE)	۹

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در جدول ۳، آمار توصیفی متغیرهای مستقل به تفکیک صنعت ارائه شده است. شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای کمی و متغیرهای کیفی متفاوتند. در نتیجه، برای متغیرهای کمی میانگین و برای متغیرهای کیفی میانه محاسبه شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای مستقل

SIZE	ACH	ASIZ	COM	MCH	MDUR	CAP	LEV	ROA		
۱۲/۳۷	۰	۰/۷۶	۰/۰۲	۰	۳/۵۹	۰	۰/۷۰	۰/۰۷	میانگین/میانه	غذایی و آشامیدنی
۰/۹۱	۰/۴۸	۰/۴۳	۰/۰۴	۰/۵۰	۲/۳۶	۰/۳۴	۰/۱۵	۰/۰۹	انحراف معیار	
۱۳/۷۸	۰	۰/۹۲	۰/۰۱	۰	۳/۵۹	۰	۰/۷۱	۰/۰۶	میانگین/میانه	خودرو و قطعات
۱/۷۹	۰/۵۰	۰/۲۷	۰/۰۲	۰/۵۰	۲/۸۰	۰/۴۵	۰/۱۴	۰/۰۸	انحراف معیار	
۱۲/۹۹	۰	۰/۸۸	۰/۰۲	۰	۲/۵۵	۰	۰/۷۱	۰/۰۶	میانگین/میانه	محصولات فلزی
۱/۱۴	۰/۴۸	۰/۳۳	۰/۰۶	۰/۵۰	۱/۶۷	۰/۳۹	۰/۱۷	۰/۱۶	انحراف معیار	
۱۳/۱۸	۰	۰/۸۴	۰/۰۲	۰	۲/۹۷	۰	۰/۶۵	۰/۰۹	میانگین/میانه	کانی غیرفلزی
۰/۹۶	۰/۴۹	۰/۳۷	۰/۰۴	۰/۵۰	۲/۱۵	۰/۴۴	۰/۱۳	۰/۱۰	انحراف معیار	
۱۲/۸۵	۰	۰/۷۷	۰/۰۲	۰	۳/۳۸	۰	۰/۷۰	۰/۰۵	میانگین/میانه	ماشین‌آلات و تجهیزات
۱/۲۵	۰/۵۰	۰/۴۲	۰/۰۳	۰/۵۰	۲/۷۰	۰/۴۶	۰/۱۴	۰/۰۹	انحراف معیار	
۱۲/۶۹	۰	۰/۸۱	۰/۰۱	۰	۳/۵۴	۰	۰/۶۵	۰/۱۲	میانگین/میانه	دارویی
۰/۶۹	۰/۴۷	۰/۳۹	۰/۰۱	۰/۵۰	۲/۶۶	۰/۴۷	۰/۱۵	۰/۰۹	انحراف معیار	
۱۳/۲۰	۰	۰/۹۰	۰/۰۱	۱	۳/۱۶	۰	۰/۶۸	۰/۰۸	میانگین/میانه	شیمیایی
۱/۳۹	۰/۴۹	۰/۳۰	۰/۰۲	۰/۵۰	۲/۱۴	۰/۴۲	۰/۱۳	۰/۰۸	انحراف معیار	

در جدول ۴ تعداد و نسبت تجدید ارائه صورت‌های مالی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ در سطح صنایع منتخب منعکس شده است. اعداد بیانگر آن است که به طور میانگین، صنعت ساخت محصولات کانی غیرفلزی و مواد و محصولات دارویی کمترین تجدید ارائه و صنعت مواد و محصولات شیمیایی، خودرو و ساخت قطعات و ماشین‌آلات و تجهیزات بیشترین تجدید ارائه صورت‌های مالی را طی دوره مورد بررسی داشته است. نسبت شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده‌اند، در صنعت ساخت محصولات کانی غیرفلزی، از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ سیر نزولی داشته است، اما روند آن در سایر صنایع تقریباً یکنواخت بوده و کاهش یا افزایشی نداشته است.

جدول ۴. تعداد و نسبت تجدیدارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف

سال	صنعت													
	غذایی و آشامیدنی		خودرو و قطعات		محصولات فلزی		محصولات کانی غیرفلزی		ماشین‌آلات و تجهیزات		مواد و محصولات دارویی		مواد و محصولات شیمیایی	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۱۳۸۴	۱۹	۹۵٪	۲۲	۸۱٪	۱۹	۷۹٪	۲۷	۷۷٪	۱۰	۷۷٪	۱۸	۷۸٪	۱۶	۸۹٪
۱۳۸۵	۱۴	۷۰٪	۲۴	۸۹٪	۱۷	۷۱٪	۲۸	۸۰٪	۱۰	۷۷٪	۱۹	۸۳٪	۱۶	۸۹٪
۱۳۸۶	۱۴	۷۰٪	۲۴	۸۹٪	۱۷	۷۱٪	۲۵	۷۱٪	۱۰	۷۷٪	۱۹	۸۳٪	۱۷	۹۴٪
۱۳۸۷	۱۶	۸۰٪	۲۴	۸۹٪	۱۸	۷۵٪	۲۶	۷۴٪	۱۱	۸۵٪	۱۰	۴۳٪	۱۵	۸۳٪
۱۳۸۸	۱۵	۷۵٪	۲۳	۸۵٪	۱۹	۷۹٪	۲۶	۷۴٪	۱۲	۹۲٪	۱۷	۷۴٪	۱۴	۷۸٪
۱۳۸۹	۱۵	۷۵٪	۲۴	۸۹٪	۱۸	۷۵٪	۲۵	۷۱٪	۱۱	۸۵٪	۱۷	۷۴٪	۱۵	۸۳٪
۱۳۹۰	۱۶	۸۰٪	۲۳	۸۵٪	۱۸	۷۵٪	۲۴	۶۸٪	۱۱	۸۵٪	۱۸	۷۸٪	۱۶	۸۹٪
میانگین	۱۵/۶	۷۸٪	۲۳/۴	۸۷٪	۱۸	۷۵٪	۲۵/۹	۷۴٪	۱۰/۷	۸۳٪	۱۶/۹	۷۳٪	۱۵/۶	۸۶٪

جهت بررسی معنادار بودن تفاوت میانگین وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف و آزمون فرضیه نخست پژوهش، از تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۵ مشاهده می‌شود. تفاوت میانگین وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. بدین ترتیب فرضیه نخست این پژوهش تایید می‌شود.

جدول ۵. تفاوت میانگین وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف

منبع تغییرات	مجموع توان‌های دوم	درجه آزادی	میانگین توان‌های دوم	آماره F	سطح معناداری
تیمارها	۲/۸۳۶	۷	۰/۴۰۵	۲/۴۶۵	۰/۰۱۶
خطا	۱۹۷/۹۳۲	۱۲۰۴	۰/۱۶۴		
جمع	۲۰۰/۷۶۹	۱۲۱۱			

همچنین، میانگین نسبت قدر مطلق تعدیلات سنواتی به درآمد فروش یا ارائه خدمات، برای صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ در جدول ۶ ارائه شده است. هر چند جدول ۴ حکایت از آن دارد که نسبت شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه نموده‌اند، در صنعت ساخت محصولات کانی غیرفلزی کمتر و در صنعت مواد و محصولات شیمیایی و صنعت ساخت محصولات فلزی بیش از سایر صنایع است، اما اطلاعات جدول ۶ نشان می‌دهد که به طور میانگین، تعدیلات سنواتی در صنعت

ماشین‌آلات و تجهیزات بیشترین اهمیت، و در صنعت مواد و محصولات دارویی کمترین اهمیت را نسبت به رقم درآمد فروش داشته است. اهمیت رقم تعدیلات سنواتی در صنایع انواع فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی، خودرو و ساخت قطعات، ساخت محصولات کانی غیرفلزی، و مواد و محصولات دارویی در سال‌های اخیر سیر نزولی داشته است، اما در مقابل، در صنایع ساخت محصولات فلزی، ماشین‌آلات و تجهیزات، و مواد و محصولات شیمیایی این رقم نسبت به درآمد فروش یارانه خدمات افزایش یافته است.

جدول ۶. میانگین نسبت قدر مطلق تعدیلات سنواتی به درآمد فروش یا ارائه خدمات در صنایع مختلف

سال	صنعت						
	غذایی و آشامیدنی	خودرو و قطعات	محصولات فلزی	محصولات کانی غیرفلزی	ماشین‌آلات و تجهیزات	مواد و محصولات دارویی	مواد و محصولات شیمیایی
۱۳۸۴	۰/۰۲۱	۰/۰۲۲	۰/۰۱۸	۰/۰۲۵	۰/۰۱۴	۰/۰۱۶	۰/۰۰۹
۱۳۸۵	۰/۰۳۰	۰/۰۱۷	۰/۰۱۰	۰/۰۳۵	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹	۰/۰۱۴
۱۳۸۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۶	۰/۰۲۳	۰/۰۲۴	۰/۰۲۰	۰/۰۳۲	۰/۰۳۰
۱۳۸۷	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۱	۰/۰۱۸	۰/۰۲۷	۰/۰۰۶	۰/۰۲۵
۱۳۸۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۲۲	۰/۰۱۹	۰/۰۳۸	۰/۰۰۸	۰/۰۳۴
۱۳۸۹	۰/۰۱۰	۰/۰۱۵	۰/۰۲۵	۰/۰۲۰	۰/۰۴۲	۰/۰۰۵	۰/۰۳۰
۱۳۹۰	۰/۰۱۲	۰/۰۱۴	۰/۰۳۱	۰/۰۱۷	۰/۰۳۹	۰/۰۰۹	۰/۰۲۹
میانگین	۰/۰۱۷	۰/۰۱۶	۰/۰۲۱	۰/۰۲۳	۰/۰۲۸	۰/۰۱۴	۰/۰۲۴

جهت بررسی معنادار بودن تفاوت میانگین مبلغ تعدیلات سنواتی در صنایع مختلف و در نتیجه آزمون فرضیه دوم، از تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است. همانطور که جدول نشان می‌دهد، تفاوت میانگین وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. بدین ترتیب فرضیه دوم این پژوهش تایید می‌شود.

جدول ۷. تفاوت میانگین مبلغ تعدیلات سنواتی در صنایع مختلف

منبع تغییرات	مجموع توان‌های دوم	درجه آزادی	میانگین توان‌های دوم	آماره F	سطح معناداری
تیمارها	۰/۰۵۰	۷	۰/۰۰۷	۲/۴۶۵	۰/۰۱۶
خطا	۳/۵۰۲	۱۲۰۴	۰/۰۰۳		
جمع	۳/۵۵۳	۱۲۱۱			

میانگین متغیرهای مستقل مدل به تفکیک صنایع مختلف در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج حاصل از مقایسه میانگین‌ها در صنایع مختلف، در جدول ۸ مشاهده می‌شود که حکایت از آن دارد که به جز متغیر تغییر مدیریت، تفاوت میانگین سایر متغیرها در صنایع مختلف معنادار است.

جدول ۸. مقایسه میانگین متغیرهای مستقل مدل در صنایع مختلف

نام متغیر	منبع تغییرات	مجموع توان‌های دوم	درجه آزادی	میانگین توان‌های دوم	آماره F	سطح معناداری
ROA	تیمارها	۰/۳۸۳	۷	۰/۰۵۵	۴/۴۵۱	۰/۰۰۰
	خطا	۱۴/۸۲۲	۱۲۰۴	۰/۰۱۲		
	جمع	۱۵/۲۰۵	۱۲۱۱			
SIZE	تیمارها	۱۷۰/۶۴۷	۷	۲۴/۳۷۸	۱۴/۷۴۶	۰/۰۰۰
	خطا	۱۹۹۰/۴۶۹	۱۲۰۴	۱/۶۵۳		
	جمع	۲۱۶۱/۱۱۶	۱۲۱۱			
CAP	تیمارها	۳/۴۷۳	۷	۰/۴۹۶	۲/۷۵۸	۰/۰۰۸
	خطا	۲۱۶/۶۱۵	۱۲۰۴	۰/۱۸۰		
	جمع	۲۲۰/۰۸۸	۱۲۱۱			
LEV	تیمارها	۰/۶۸۴	۷	۰/۰۹۸	۴/۴۳۱	۰/۰۰۰
	خطا	۲۶/۵۵۵	۱۲۰۴	۰/۰۲۲		
	جمع	۲۷/۲۴۰	۱۲۱۱			
COM	تیمارها	۰/۰۱۸	۷	۰/۰۰۳	۲/۱۲۳	۰/۰۳۹
	خطا	۱/۴۹۶	۱۲۰۴	۰/۰۰۱		
	جمع	۱/۵۱۵	۱۲۱۱			
MDUR	تیمارها	۲۳۳/۶۲۹	۷	۳۳/۳۷۵	۵/۹۶۵	۰/۰۰۰
	خطا	۶۷۳۷/۰۲۵	۱۲۰۴	۵/۵۹۵		
	جمع	۶۹۷۰/۶۵۳	۱۲۱۱			
MCH	تیمارها	۰/۷۰۱	۷	۰/۱۰۰	۰/۴۰۱	۰/۹۰۲
	خطا	۳۰۰/۱۵۳	۱۲۰۴	۲/۲۴۹		
	جمع	۳۰۰/۸۵۴	۱۲۱۱			
ACH	تیمارها	۳/۰۵۵	۷	۰/۴۳۶	۱/۸۳۸	۰/۰۷۶
	خطا	۲۸۵/۷۸۶	۱۲۰۴	۰/۲۳۷		
	جمع	۲۸۸/۸۴۱	۱۲۱۱			
ASIZ	تیمارها	۳/۷۷۳	۷	۰/۵۳۹	۴/۵۳۵	۰/۰۰۰
	خطا	۱۴۳/۱۰۰	۱۲۰۴	۰/۱۱۹		
	جمع	۱۴۶/۸۷۴	۱۲۱۱			

با توجه به معنادار بودن تفاوت میانگین‌ها، نتایج زیر قابل دستیابی است:

۱. میانگین سودآوری در صنعت مواد و محصولات دارویی بالاتر از سایر صنایع است؛ این در حالی است که میانگین نسبت تعدیلات سنواتی به درآمد فروش در این صنعت پایین‌ترین رقم را به خود اختصاص داده است. نسبت تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز در این صنعت کمتر از سایر صنایع است. همچنین، کمترین میانگین بازده دارایی‌ها متعلق به صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات است که بیشترین نسبت تعدیلات سنواتی به درآمد فروش را داشته است. نسبت تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز در این صنعت بسیار بالاست.

۲. میانگین رقم اهرم مالی در صنعت خودرو و ساخت قطعات بالاتر از سایر صنایع است و به عبارتی بدهی‌های بلندمدت شرکت‌های خودروسازی و تامین‌کنندگان قطعات خودرو در مقایسه با ارزش دفتری دارایی‌های آن‌ها نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر است. این موضوع نشانه‌ای از وجود فشارهای مالی در این صنعت است که انتظار می‌رود موجب افزایش تجدید ارائه صورت‌های مالی در این صنعت شود. اهرم مالی در صنایع ساخت محصولات کانی غیرفلزی و مواد و محصولات دارویی پایین‌تر از سایر صنایع است. همانطور که انتظار می‌رود این دو صنعت پایین‌ترین درصد تجدید ارائه صورت‌های مالی را داشته‌اند.

۳. از آن‌جا که افزایش سرمایه متغیری است که تنها مقادیر صفر و یک به آن اختصاص یافته است، هر چه رقم آن کوچک‌تر باشد به معنی آن است که در شرکت‌های صنعت مورد بررسی، به دفعات کمتری افزایش سرمایه صورت گرفته است. ارقام نشان می‌دهد که در صنعت انواع فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی و صنعت ساخت محصولات فلزی دفعات افزایش سرمایه کمتر از سایر صنایع بوده است. مشاهده می‌شود که درصد وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در این دو صنعت نسبتاً پایین است. شرکت‌های فعال در ساخت محصولات فلزی بیش از سایر شرکت‌ها افزایش سرمایه را تجربه کرده‌اند و درصد وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز در این شرکت‌ها بالا است.

۴. دوره تصدی مدیران عامل در شرکت‌های فعال در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات طولانی‌تر و در صنعت ساخت محصولات فلزی کوتاه‌تر از سایر صنایع بوده است. ارقام گویای آن است که اهمیت تعدیلات سنواتی و درصد تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات بیش از سایر صنایع است. درصد وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنعت ساخت محصولات فلزی نسبت به صنایع دیگر کم است، اما با این وجود رقم تعدیلات سنواتی مربوط به شرکت‌های این صنعت در مقایسه با درآمد فروش آن‌ها بالا است.

۵. تغییر مدیریت متغیری است که تنها می‌تواند مقادیر یک و صفر داشته باشد. در نتیجه هر چه میانگین آن به یک نزدیک‌تر باشد به این معنی است که دفعات تغییر مدیریت در آن صنعت بیشتر بوده است. ارقام نشان می‌دهد که تغییر مدیریت در صنعت مواد و محصولات

شیمیایی سرعت بیشتری داشته است. بنابراین انتظار می‌رود که تجدید ارائه صورت‌های مالی در این صنعت بیشتر از سایر صنایع باشد که ارقام نیز مؤید این مطلب است. مدیرعامل در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات آهسته‌تر از سایر صنایع تغییر کرده است، اما تجدید ارائه صورت‌های مالی در این صنعت، هم از نظر مبلغ و هم از نظر دفعات وقوع، رقم بالایی دارد و در نتیجه از قاعده مورد انتظار پیروی نمی‌کند.

۶. در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات و صنعت ساخت محصولات فلزی پاداش مدیریت در مقایسه با سود یا زیان خالص رقم بالاتری داشته است. در این دو صنعت نسبت تعدیلات سنواتی به درآمد فروش بیش از سایر صنایع بوده است. در صنعت خودرو و ساخت قطعات و صنعت مواد و محصولات دارویی نسبت پاداش کمتر از سایر صنایع است و به طور همزمان، نسبت تعدیلات سنواتی به درآمد فروش نیز در این دو صنعت کمتر از سایر صنایع است.

۷. شرکت‌های فعال در صنعت خودرو و ساخت قطعات بیشتر و شرکت‌های فعال در صنعت انواع فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی کمتر از سایر صنایع توسط موسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی شده است. درصد بالایی از شرکت‌های فعال در صنعت خودرو و ساخت قطعات تجدید ارائه صورت‌های مالی را طی دوره مورد بررسی تجربه کرده‌اند و درصد تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های فعال در صنعت انواع فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی رقم نسبتاً کوچکتری است.

۸. در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات تغییر حسابرسان شرکت سرعت بیشتری داشته و در مقابل، مدت همکاری حسابرسان با شرکت در صنعت مواد و محصولات دارویی بیشتر از سایرین بوده است. درصد تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات بیشتر و در صنعت مواد و محصولات دارویی کمتر از سایر صنایع است.

۹. به طور میانگین، شرکت‌های فعال در صنعت خودرو و ساخت قطعات اندازه بزرگتری نسبت به سایر صنایع داشته‌اند و شرکت‌های فعال در صنعت انواع فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی کوچک‌تر از سایرین بوده‌اند.

جهت برازش مدل در سطح صنایع مختلف روش رگرسیون لجستیک مورد استفاده قرار گرفته است و تعداد اندک مشاهدات از طریق بکارگیری روش داده‌های تلفیقی جبران شده است. اطلاعات مربوط به مدل تخمین زده شده در هر یک از صنایع در جدول ۹ ارائه و سپس تفسیر می‌شود. برای تعیین روش تخمین، ابتدا آزمون F برای انتخاب از بین روش‌های اثرات مشترک و اثرات ثابت بکار گرفته شد. در صورتی که مقدار آماره F محاسبه شده توسط نرم‌افزار E-Views در سطح خطای بیشتر از ۵٪ معنادار بود، از روش اثرات مشترک و در غیر این صورت، از آزمون هاسمن به منظور انتخاب از بین روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی استفاده شد. اگر مقدار آماره کای دو محاسبه شده توسط نرم‌افزار در سطح خطای بیشتر از ۵٪ معنادار بود، از روش

اثرات تصادفی و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت برای برآورد مدل استفاده گردید. با بررسی ضریب تعیین تعدیل شده و آماره F در تمامی مدل‌های برآوردی، می‌توان نتیجه گرفت که تمامی مدل‌ها به خوبی برازش شده است و متغیرهای مستقل انتخاب شده به‌نحو مطلوب قادر به توضیح بیش از نیمی از تغییرات متغیر وابسته می‌باشند. مدل برآوردی در صنعت خودرو و ساخت قطعات بیشترین توان توضیح‌دهندگی و مدل برآوردی در صنعت ساخت محصولات فلزی کمترین توان توضیح‌دهندگی را دارد. آماره دوربین واتسن مدل‌ها رقمی نزدیک به ۲ دارد که بیانگر عدم وجود همبستگی سریالی قوی بین اجزای اخلاص مدل رگرسیون است.

جدول ۹. مدل عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنایع مختلف

$$RES_{it} = \beta_0 + \beta_1 ROA_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 CAP_{it-1} + \beta_4 MDUR_{it} + \beta_5 MCH_{it-1} + \beta_6 COM_{it} + \beta_7 ASIZ_{it} + \beta_8 ACH_{it-1} + \beta_9 SIZE_{it} + \epsilon_i$$

F	DW	R ²	β_9	β_8	β_7	β_6	β_5	β_4	β_3	β_2	β_1	β_0	صنعت
۱۰۰۳۴۱	۱/۵۳۳۸	۰/۵۰۵۹	-۰/۰۸۰	۰/۱۶۰	-۰/۲۳۸	۰/۵۲۱	۰/۲۲۱	-۰/۰۱۳	-۰/۰۱۷	۰/۶۹۰	-۱/۱۹۶	۱/۳۴۴	غذایی و آشامیدنی رقم آماره t ۲/۱۰۷
۱۰/۱۶۸۵	۱/۷۹۵۱	۰/۷۳۸۵	-۰/۰۴۲	۰/۰۲۱	-۰/۱۹۳	۰/۳۴۶	۰/۰۷۲	-۰/۰۲۷	-۰/۰۳۹	۰/۳۹۰	-۲/۱۷۹	۱/۳۶۴	خودرو و قطعات رقم آماره t ۱/۳۲۰
۱۱/۰۹۵۷	۱/۶۴۲۷	۰/۴۸۸۵	-۰/۰۱۵	-۰/۱۱۱	-۰/۲۳۹	۰/۶۶۵	۰/۱۷۹	-۰/۰۰۷	-۰/۰۶۸	۱/۲۵۹	-۰/۴۴۳	-۰/۲۳۵	محصولات فلزی رقم آماره t ۱/۳۲۰
۶/۷۸۸۰	۲/۰۲۷۴	۰/۵۴۳۵	-۰/۰۸۹	۰/۱۷۲	-۰/۱۸۷	-۰/۲۸۶	۰/۱۶۹	-۰/۰۱۱	-۰/۰۳۳	۱/۲۲۰	-۱/۳۲۱	-۱/۰۹۸	کانی غیرفلزی رقم آماره t ۱/۰۴۱
۷/۷۷۴۴	۱/۷۰۰۱	۰/۵۴۱۹	-۰/۰۱۹	۰/۱۸۲	-۰/۱۰۱	۰/۰۳۵	-۱/۳۸۰	-۰/۰۳۴	۰/۱۷۲	۱/۰۶۵	-۰/۱۲۷	-۰/۲۴۹	ماشین‌آلات و تجهیزات رقم آماره t ۰/۴۲۱
۱۰/۳۸۳۰	۲/۲۴۱۲	۰/۶۸۴۹	-۰/۰۴۰	۰/۱۱۱	-۰/۰۲۱	-۲/۶۳۲	۰/۱۶۳	-۰/۰۱۴	-۰/۰۱۱	۱/۰۴۵	-۱/۸۶۸	-۰/۳۲۷	دارویی رقم آماره t ۰/۳۵۴
۴/۸۷۴۵	۲/۱۷۴۴	۰/۵۸۴۹	-۰/۲۳۸	-۰/۱۱۵	-۰/۲۳۹	-۱/۴۶۸	-۰/۰۲۸	-۰/۰۷۲	-۰/۰۷۵	۱/۸۹۹	-۰/۷۰۹	۳/۸۶۳	شیمیایی رقم آماره t ۲/۶۶۶

* معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد

** معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۹، نتایج زیر درباره هر یک از صنایع مورد بررسی قابل دستیابی است.

(۱) صنعت انواع فراورده‌های غذایی و آشامیدنی

بررسی ضرایب مدل نشان می‌دهد که در صنعت انواع فراورده‌های غذایی و آشامیدنی، سودآوری با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و اهرم مالی با متغیر وابسته مدل رابطه مثبت دارد؛ این یافته نشان دهنده آن است که در این صنعت، تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های موفق‌تر با احتمال کمتری رخ می‌دهد. رابطه افزایش سرمایه و اندازه شرکت

با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. از میان متغیرهای مدیریتی، تنها رابطه تغییر مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی معنادار است و مدت تصدی مدیرعامل تاثیر معناداری بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی ندارد. رابطه پاداش مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیست. در مدل برآوردی در سطح صنعت انواع فراورده‌های غذایی و آشامیدنی، رابطه هر دو متغیر تغییر حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. رابطه مثبت تغییر حسابرس و رابطه منفی اندازه موسسه حسابرسی با وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی حکایت از آن دارد که هر چه حسابرس از شرکت مستقل‌تر باشد، احتمال وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های صنعت انواع فراورده‌های غذایی و آشامیدنی کاهش می‌یابد.

(۲) صنعت خودرو و ساخت قطعات

بررسی ضرایب مدل نشان می‌دهد که در صنعت انواع خودرو و ساخت قطعات، سودآوری با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و اهرم مالی با متغیر وابسته مدل رابطه مثبت دارد؛ این موضوع نشان می‌دهد که در این صنعت نیز همانند صنایع انواع فراورده‌های غذایی و آشامیدنی، تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های موفق‌تر با احتمال کمتری رخ می‌دهد. رابطه افزایش سرمایه و اندازه شرکت با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. از میان متغیرهای مدیریتی، رابطه تغییر و مدت تصدی مدیرعامل با تجدید ارائه صورت‌های مالی معنادار و رابطه پاداش مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد غیرمعنی‌دار است. در مدل برآوردی در سطح صنعت خودرو و ساخت قطعات، رابطه تغییر حسابرس با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار است، اما رابطه اندازه موسسه حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد قابل تایید نیست.

(۳) صنعت ساخت محصولات فلزی

رابطه منفی سودآوری و رابطه مثبت اهرم مالی با تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنعت ساخت محصولات فلزی، نشان از آن دارد که در این صنعت نیز تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌هایی که با مشکلات و فشار مالی مواجهند با احتمال بیشتری رخ می‌دهد. رابطه افزایش سرمایه و اندازه شرکت با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. در این صنعت نیز، همانند صنایع انواع فراورده‌های غذایی و آشامیدنی، از میان متغیرهای مدیریتی، تنها رابطه تغییر مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی معنادار است و مدت تصدی مدیرعامل تاثیر معناداری بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی ندارد. رابطه پاداش مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیست. در مدل برآوردی در سطح صنعت ساخت محصولات فلزی، رابطه هر دو متغیر تغییر حسابرس و اندازه موسسه

حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. در این صنعت نیز رابطه مثبت تغییر حسابرس و رابطه منفی اندازه موسسه حسابرسی با وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی حکایت از رابطه منفی استقلال حسابرس و احتمال وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد.

(۴) صنعت ساخت محصولات کانی غیرفلزی

رابطه منفی سودآوری و رابطه مثبت اهرم مالی با تجدید ارائه صورت‌های مالی در صنعت ساخت محصولات کانی غیرفلزی، نشان از آن دارد که در این صنعت تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌هایی که با مشکلات و فشار مالی مواجهند با احتمال بیشتری رخ می‌دهد. رابطه افزایش سرمایه و اندازه شرکت با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. در این صنعت نیز، همانند صنعت انواع فراورده‌های غذایی و آشامیدنی و صنعت ساخت محصولات فلزی، از میان متغیرهای مدیریتی، تنها رابطه تغییر مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی معنادار است و مدت تصدی مدیرعامل تاثیر معناداری بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی ندارد. در این صنعت نیز، رابطه پاداش مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیست. در مدل برآوردی در سطح صنعت ساخت محصولات فلزی، رابطه هر دو متغیر تغییر حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار است.

(۵) صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات

بررسی ضرایب مدل نشان می‌دهد که در صنعت انواع ماشین‌آلات و تجهیزات، سودآوری با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و اهرم مالی با متغیر وابسته مدل رابطه مثبت دارد؛ این موضوع بیانگر آن است که در این صنعت تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های موفق‌تر با احتمال کمتری رخ می‌دهد. در این صنعت میان افزایش سرمایه و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد رابطه معنادار مثبت مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد تجدید ارائه صورت‌های مالی در دوره‌هایی که شرکت اقدام به افزایش سرمایه می‌کند بیشتر رخ می‌دهد. در این صنعت، همانند سایر صنایع، رابطه اندازه شرکت و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. از میان متغیرهای مدیریتی، رابطه تغییر و مدت تصدی مدیرعامل با تجدید ارائه صورت‌های مالی معنادار و رابطه پاداش مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد غیرمعنی‌دار است. در مدل برآوردی در سطح صنعت خودرو و ساخت قطعات، رابطه تغییر حسابرس با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست، اما رابطه اندازه موسسه حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد قابل تایید است.

(۶) صنعت مواد و محصولات دارویی

بررسی ضرایب مدل نشان می‌دهد که در صنعت مواد و محصولات دارویی، سودآوری با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و اهرم مالی با متغیر وابسته مدل رابطه مثبت دارد؛ این موضوع نشان می‌دهد که در این صنعت تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های موفق‌تر با احتمال کمتری رخ می‌دهد. رابطه افزایش سرمایه و اندازه شرکت با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. از میان متغیرهای مدیریتی، رابطه تغییر مدیرعامل با تجدید ارائه صورت‌های مالی معنادار است اما رابطه دوره تصدی مدیرعامل و پاداش مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد غیر معنی‌دار می‌باشد. در این صنعت، رابطه تغییر حسابرس با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست، اما رابطه اندازه موسسه حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد قابل تایید است.

(۷) صنعت مواد و محصولات شیمیایی

بررسی ضرایب مدل نشان می‌دهد که در این صنعت، همانند سایر صنایع، سودآوری با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و اهرم مالی با متغیر وابسته مدل رابطه مثبت دارد؛ اما در این صنعت میان اندازه شرکت و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد رابطه معنادار منفی مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های کوچک‌تر بیشتر رخ می‌دهد. در این صنعت، همانند سایر صنایع، رابطه افزایش سرمایه و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. از میان متغیرهای مدیریتی، رابطه تغییر و مدت تصدی مدیرعامل با تجدید ارائه صورت‌های مالی معنادار و رابطه پاداش مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد غیر معنی‌دار است. در این صنعت، رابطه تغییر حسابرس با تجدید ارائه صورت‌های مالی مثبت و رابطه اندازه موسسه حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی منفی است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که ویژگی‌های صنایع مختلف بر میزان وقوع اشتباهات حسابداری و تجدید ارائه صورت‌های مالی در هر صنعت و اهمیت مبلغ این اشتباهات مؤثر است. همین ویژگی‌های خاص هر صنعت است که موجب می‌شود انگیزه‌های تجدید ارائه صورت‌های مالی و عوامل مؤثر بر آن، در هر صنعت روایت متفاوتی داشته باشد. یافته‌ها نشان داد که صنایعی که وضعیت و عملکرد مالی بهتری دارند کمتر از سایر صنایع صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده‌اند.

مدل‌های برازش شده در سطح صنایع مختلف، در بسیاری موارد، رفتاری یکسان دارند و به جز

چند مورد خاص، در بقیه موارد متغیرهای معنادار و جهت تغییرات آن‌ها همانند یکدیگر است. جدول ۱۰ مدل‌های برازش شده در سطح صنایع را با یکدیگر و نیز با مدل نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) مقایسه می‌کند. بر اساس این جدول، مدل‌های برازش شده در سطح صنایع در بسیاری موارد با مدل نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) سازگار است.

جدول ۱۰. خلاصه نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها و مقایسه با مدل نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱)

SIZE	ACH	ASIZ	COM	MCH	MDUR	CAP	LEV	ROA	مدل
O	P	P	O	P	P	O	P	×	مدل نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱)
O	P	P	O	P	O	O	P	P	صنعت انواع فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی
O	O	P	O	P	P	O	P	P	صنعت خودرو و ساخت قطعات
O	P	P	P	P	O	O	P	P	صنعت ساخت محصولات فلزی
O	P	P	O	P	O	O	P	P	صنعت ساخت محصولات کانی غیرفلزی
O	P	O	O	P	P	P	P	P	صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات
O	P	O	O	P	O	O	P	P	صنعت مواد و محصولات دارویی
P	P	P	O	P	P	O	P	P	صنعت مواد و محصولات شیمیایی

توجه به ویژگی‌های خاص هر صنعت می‌تواند در پیش‌بینی تجدید ارائه صورت‌های مالی، و در نتیجه کاهش تبعات منفی اتکا به صورت‌های مالی حاوی اشتباه، به حساب‌رسان، سرمایه‌گذاران، و ناظران بورسی کمک کند. در این تحقیق برخی از این ویژگی‌ها آشکار شد. با وجود این، اهمیت تجدید ارائه صورت‌های مالی، تحقیقات بیشتری را در این حوزه طلب می‌کند. وجود تفاوت معنادار در دفعات وقوع و اهمیت تعدیلات سنواتی و عوامل موثر بر آن نشان می‌دهد که توجه به عامل صنعت در تحقیقات مربوط به حوزه تجدید ارائه صورت‌های مالی، گزارشگری متقلبانانه و مدیریت سود ضرورت دارد.

منابع

- برزگری خانقاه، جمال (۱۳۷۵)، «تغییرات حسابداری و اصلاح اشتباهات دوره‌های قبل در شرکت‌های موفق در مقابل شرکت‌های ناموفق»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی محمدعلی آقایی.
- سجادی، سید حسین (۱۳۸۳). «رابطه تعدیلات سنواتی صورتهای مالی با قیمت سهام، اندازه و عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، سال اول، شماره: ۶۱ - ۶۵.
- سروری مهر، صمد (۱۳۸۵) «بررسی ماهیت تعدیلات سنواتی در شرکت‌ها»، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، به راهنمایی موسی بزرگاصل.
- کردستانی، غلامرضا، آزاد، عبدالله، و کاظمی، محبوبه (۱۳۸۹). «آزمون تجربی اهمیت تعدیلات سنواتی در بازار سرمایه»، تحقیقات حسابداری، شماره ۸: ۶۲ - ۷۳.
- نیکبخت، محمدرضا و رفیعی، افسانه (۱۳۹۱). «تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران»، دانش حسابداری، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۶۷-۱۹۴.
- Agrawal, A., and Chadha, S. (۲۰۰۵). "Corporate Governance and Accounting Scandals". *Journal of Law and Economics*, Vol. 48: 371-406.
- Atik, S. (2009). "Detecting income-smoothing behaviors of Turkish listed companies through empirical tests using discretionary accounting changes". *Critical Perspectives on Accounting*, Vol. 20: 591-613.
- Barron, O., Pratt, J. And Stice, J. D. (2001). "Misstatement Direction, Litigation Risk, and Planned Audit Investment". *Journal of Accounting Research*, Vol. 39, No. 3: 449-462.
- Burns, N. and Kedia, S. (2006). "The Impact of Performance-Based Compensation on Misreporting". *Journal of Financial Economics*, Vol. 79, Iss. 1: 3567-.
- DeFond, M.L. and Jiambalvo, J. (1991). "Incidence and Circumstances of Accounting Errors". *The Accounting Review*, Vol. 66, No. 3: 643-655.
- Desai, H. C., Hogan E. and Wilkins, M. S. (2006). "The reputational penalty for aggressive accounting: earnings restatement and management turnover". *The Accounting Review*, Vol. 81, Iss. 1: 831-843.
- Efendi, J., Strivastava, A. & Swanson, E.P. (2007). "Why Do Corporate Managers Misstate Financial Statements? The Role of Option Compensation and Other Factors". *Journal of Financial Economics*, vol. 85: 667-708.
- Farber, D.B. (2005). "Restoring Trust after Fraud: Does Corporate Governance

Matter?" *The Accounting Review*, Vol. 80, No. 2: 539–561.

Huron Consulting Group (2003). "An Analysis Of Restatement Matters: Rules, Errors, Ethics, For The Five Years Ended December 31 2002". Chicago: Huron Consulting Group.

Kinney, W. R., Palmrose, Z. and Scholz, S. (2004). "Auditor independence, non-audit services, and restatements: was the U.S. government right?" *Journal of Accounting Research*, Vol. 42, Issue 3: 561585-.

Moore, D. L. (2007), "Forecasting Earnings Management: Evidence From GAO Restatement Data", Doctoral Dissertation, Touro University International.

Myer, J.N. (2005). "The Length of Auditor-Client Relationships and Financial Statement Restatements". Doctoral dissertation, Texas A&M University.

Scholz, S. "The Changing Nature and Consequences of Public Company Financial Restatements: 19972006-". A Research Paper for The Department of the Treasury.

Shawver, T. (2007). "An Empirical Study of Select Financial Variables Inherent in Fraudulent Financial Reporting in the Financial Institution Industry". Doctoral Dissertation, Nova Southeastern University.

Srinivasan, S. (2005). "Consequences of Financial Reporting Failure for Outside Directors: Evidence from Accounting Restatements and Audit Committee Members". *Journal of Accounting Research*, Vol. 43, No. 2: 291334-.

Stanley, J.D., DeZoort F. (2007). "Audit Firm Tenure And Financial Restatements: An Analysis Of Industry Specialization And Fee Effects". *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 26: 131–159.

Thompson, J. H. And Larson, G. M. (2004). "An Analysis Of Restatements On Financial Reporting: Is The Loss Of Investor Confidence Justified?" *Research In Accounting Regulation*, Vol. 17: 67–85.

United States Government Accountability Office: GAO (2006). "Financial Restatements: Update of Public Company Trends, Market Impacts, and Regulatory Enforcement Activities", Report GAO-06678-, (amended and reissued in 2007), Washington D.C.: Government Printing Office.

Woods, M. (2009). "The Valuation and Contracting Roles Of Restated Earnings". Doctoral Dissertation, University Of Cincinnati.

پی‌نوشت



1. GAO
2. Atik
3. Woods
4. Barron
5. Woods
6. Thompson and Larson
7. Huron consulting Group
8. Scholz
9. Stanley and DeZoort
10. Srinivasan
11. Kinney
12. Myer
13. Farber
14. Agrawal and Chadha
15. Burns and Kedia
16. Desai
17. Efendi
18. Moore
19. Shawver